

نگاهی کوتاه به روابط عثمانی - صفوی تا پیش از جنگ چالدران^۱ از بلال دده یف^۲

مترجم: آناردی عنصری

مقدمه

کشمکش برتری طلبی بین حکومت‌های قدرتمند ترک از آن هنگام که در چارچوب «آرمان حاکمیت جهان ترک» تبیین شد، در تمامی دوره‌های تاریخی به ظهور رسیده است. مناسبات بین ییلدیریم بایزید (۱۴۰۲-۱۳۸۹) و تیمور (۱۴۰۵-۱۳۷۰) در اوایل قرن پانزدهم [میلادی] و بین [سلطان محمد] فاتح (۱۴۸۱-۱۴۵۱) و اوزون حسن (۱۴۷۸-۱۴۵۳) در نیمه دوم قرن پانزدهم [میلادی]، دو نمونه تاریخی شاهد بر این مثال می‌توانند باشند. نمونه‌ای از این نوع روابط در اوایل قرن شانزدهم/دهم بین دولت عثمانی و دولت صفوی که در آذربایجان تأسیس شده بود، وقوع یافت، اما مناسبات عثمانی - صفوی متفاوت از روابط پیشین، با پیامدهای بیشتری توأم بود. در این مبارزه برتری طلبانه، بعضاً تأثیرات کشورهای اروپایی نیز مشاهده می‌شود. به علاوه سال‌های طولانی تلاش شده است که مناسبات عثمانی - صفوی در این دوره، صرفاً از یک زاویه

۱. نوشتار حاضر، ترجمه مقاله‌ای است با این مشخصات:

Bilal Dedeyev, Çaldıran Savaşı'na Kadar Osmanlı-Safavi İlişkilerine Kısa Bir Bakış, Uluslararası Sosyal Araştırmalar Dergisi (The Journal of International Social Research), Vol. 2/6 Winter 2009.

مقاله به توصیه دوست گرامی، جناب آقای دکتر نصرالله صالحی ترجمه شد.

2. Qafqaz Üniversitesi BF Politoloji Bölümü Öğretim Üyesi, Bakü/Azərbaycan.

مورد بررسی قرار گیرد. اما تحقیقاتی که در خصوص این موضوع در سالیان اخیر صورت گرفته، تحلیل روابط عثمانی - صفوی را از منظر دلایل متنوع، مد نظر داشته‌اند.

روابط شاه اسماعیل و سلطان بایزید دوم

اسماعیل (۱۵۲۴-۱۵۰۱) پس از کسب پیروزی بر الوند بیگ آق قویونلو در جنگ شروان در سال ۱۵۰۱ وارد تبریز شده، با اعلان پادشاهی خود، دولت صفوی را که در آذربایجان و خاورمیانه منشأ اثرات بسیار شد، تأسیس کرد. بدین ترتیب در پی سالیان متمادی درگیری، تشکیل دولتی که در راستای آمال قبائل ترکمن بسان یک رؤیا جلوه می‌نمود، با اندیشه شیوخ صفوی متحقق می‌شد. در این شرایط، با وجود اتخاذ تمهیدات پیشگیرانه فراوان، برای ایجاد مانع مقابل مهاجرت از اراضی عثمانی به آذربایجان، موفقیتی حاصل نشده، اسماعیل نیز با تصرف تبریز، تشکیل دولت خود را اعلان نموده بود.^۱ در این اثنا، بایزید دوم^۲ (۱۵۱۲-۱۴۸۱) - که شرایط دشواری را با ونیز سپری می‌کرد - در ممانعت از تشکیل دولت صفوی، اندکی تأخیر کرد. تمهیدات پیشگیرانه وی نیز به دلیل تعلل والیان مرزی، کارساز نبود.^۳

اما شاه اسماعیل در بهار ۱۵۰۲، مستقیماً به جانب ارزنجان حرکت کرد، زیرا خبر رسیده بود که الوند بیگ که پس از شکست در شورو به جانب دیاربکر گریخته بود، در حوالی ارزنجان به سر می‌برد. بایزید دوم در زمان حضور الوند بیگ در دیاربکر، طی نامه‌ای که توسط سفیر ویژه خود، محمدآغا چاوش باشی، ارسال کرد، پیشنهاد داد که پس از خاتمه دادن به درگیری‌های بین شاهزادگان عثمانی، تمامی نیروهای خود را در مقابل با صفویان مصروف کنند و اطمینان داده بود که در این زمینه، از هیچ کمکی دریغ نخواهد کرد.^۴ احتمال دارد الوند بیگ با پشتگرمی به نامه بایزید دوم به منظور درگیری مجدد با صفویان به حرکت درآمده، به «سارو قلعه» واقع در جنوب ترجان، وارد شده باشد. شاه اسماعیل با اطلاع از این خبر، به جانب الوند بیگ عازم شد. سپاه الوند بیگ منهزم شده، به طرف تبریز عقب نشستند و از آنجا به سوی اوجان آمدند. الوند بیگ که گزارش بازگشت شاه اسماعیل از ماکو به تبریز را دریافت کرده بود، به سوی بغداد فرار

1. Geniş bilgi için bkz. Oktay Efendiyeve, Azerbaycan Safeviler Devleti, Bakü, 1993; Tofik Necefli, "Şah İsmail'in Sultan II. Bayezid'le Karşılıklı Münasebetlerinin Müasir Türkiye Tarihşünaslığında Eksi", Haberler, Sayı 8, Bakü, 2007, ss.33-39.
2. Selahattin Tansel, "Yeni Vesikalar Karşısında Sultan İkinci Bayezit Hakkında Bazı Mütalâalar", Belleten, C. XXVII/ 106, Ankara, 1963, s. 204.
3. Bilal Dedeyev, "Safevi Tarikatı ve Osmanlı Devleti ili_kileri", Uluslararası Sosyal Araştırmalar Dergisi, S.5, (Kasım-2008), (http://www.sosyalarastirmalar.com/cilt1/sayi5/sayi5.pdf/dedeyev_bilal.Pdf) ss. 217 - 218.
4. Şahin Fazil Farzalibeyli, Azerbaycan ve Osmanlı İmpiriyasi (XV.-XVII. Asırlar), Bakü, 1999. ss. 97-98; Oktay Efendiyeve, "SultanII. Bayezid ve Şah İsmail", XIII. **Türk Tarih Kongresi Ankara, 4-8 Ekim 1999**, C. III, I. kısım, Ankara, 2002, s. 89.

کرد.^۱ از سوی دیگر، در این اثناء بایزید دوم با سلطان مراد آق قویونلو نیز تماس‌هایی برقرار کرده بود. با نگاهی به یادداشت‌های طیب گوک بیلگین، این‌گونه استنباط می‌شود که از بین امرای آق قویونلو که به دربار عثمانی پناهنده شده بودند، فرخشاد بیگ که نوه عموی اوزون حسن بود، در دوره زمامداری بایزید دوم به ایران بازگشته، در شیراز از حکمرانی سلطان مراد حمایت می‌کرد. اینکه شخص یاد شده بعد از شکست خوردن سلطان مراد از شاه اسماعیل احتمالاً در اواخر سلطنت بایزید دوم مجدداً به دربار عثمانی بازگشته^۲ تأییدی بر فعالیت‌های ذکر شده است.

صفویان در ابتدای کار، به دلیل سنی بودن اکثریت ساکنان تبریز و حومه، اعتمادی به اهالی این ناحیه نداشتند. حتی با وجود بعضی اصلاحاتی که شاه اسماعیل به زور اعمال می‌کرد، هواداران نزدیکش به وی توصیه می‌کردند در این مورد،^۳ جانب احتیاط را از دست ندهد. در چنین شرایطی برای اینکه دولت صفوی، به دولتی بزرگ و قدرتمند تبدیل شود، نیازمند شمار کثیری نیروی نظامی بود؛ در عین حال، شاه اسماعیل در تلاش بود تا نیروی نظامی پشتیبان خود را از میان مریدان ترکمنش در آناتولی تأمین کند؛ از این رو شاه اسماعیل در سال ۹۰۸ با ارسال نامه‌ای به بایزید دوم، تقاضا کرد تا به صوفیان هوادار وی اجازه داده شود به خانقاهش در اردبیل بیایند. این تقاضا از جانب بایزید دوم مورد قبول قرار نگرفت.^۴

با وجود ایجاد مزاحمت‌های نگران کننده، دولت عثمانی نیز به الاجبار درصدد استمرار ارتباط با دولت صفوی بود. بایزید دوم در سال ۹۰۸، شش هیئت نمایندگی خارجی را به حضور پذیرفت. در این میان، هیئت نمایندگی اعزامی دولت صفوی نیز حضور داشت.^۵ این وضعیت، بیانگر شروع به رسمیت شناخته شدن دولت صفوی از جانب دولت عثمانی بود. بدین ترتیب در روابط عثمانی - صفوی، مناسبات دیپلماتیک نیز رسماً برقرار گردید. بایزید دوم نیز متقابلاً در زمستان سال ۹۱۰، یک هیئت نمایندگی به ریاست محمد چاوش بالابان را به دربار صفوی گسیل کرد. سفیر عثمانی برای شاه اسماعیل، دو فقره نامه از بایزید دوم تقدیم کرد. در یکی از نامه‌ها به اسماعیل به جای «شاه»، «بیگ» خطاب شده و پیروزی وی مقابل سلطان مراد آق قویونلو، تبریک گفته شده بود. بایزید در نامه دوم خود با «شاه اسماعیل» از موضع نصیحت سخن گفته بود،^۶ اما اینکه وی در مکاتبات بعدی، اسماعیل را با عنوان «شاه» طرف خطاب قرار می‌دهد، بیانگر

1. Faruk Sümer, *Safevîler Devleti'nin Kuruluşu ve Gelişmesinde Anadolu Türkleri'nin Rolü*, Ankara, 1992, s.22-23.

2 . Tayyip Gökbilgin, "XVI. Asır Başlarında Osmanlı Devleti Hizmetindeki Akkoyunlu Ümerası", *Türkiyat Mecmuası*, C. IX,

۳. موسوی اردبیلی نجفی، فخرالدین، *تاریخ اردبیل و دانشمندان*، ج ۱، تهران، ۱۳۸۸، ص ۸۶.

Efendiyev, a.g.y

4. Solak-Zâde, *Tarih*, C. I, (Haz. Vahit Çabuk), Ankara, 1989 , s. 429; Sümer, a.g.e., s. 23; Necefli, a.g.m., s.40.

5. Şerefhan Bitlisî, *Şeref-Nâme*, (Ruşça'ya çev. E. I. Vasilyev), Moskova, 1976, s. 146

6. Efendiyev, a.g.t., ss. 90-92.

این است که وی را در مقام رئیس دولت پذیرفته است.^۱ بدین ترتیب روابط عثمانی - صفوی با خصلتی آشستی جویانه و نه صمیمی، آغاز شد. این وضعیت تا زمان غلبه شاه اسماعیل بر شییبانی خان، فرمانروای ماوراءالنهر، دوام آورد.

در این اوضاع و احوال، با وجود اتخاذ برخی تدابیر توسط دولت عثمانی، مهاجرت از آناتولی به قلمرو صفویان، همچنان ادامه داشت. این امر، اقتصاد عثمانی را به نحو نامطلوبی تحت تأثیر قرار می‌داد. متروکه ماندن اراضی مهاجرین و در ربط با این، عدم تأدیه مالیات‌ها، دولت متکی بر «سیستم تیمار» عثمانی را در شرایطی خطیر قرار می‌داد. برای مقابله با این امر، در نتیجه ممنوعیت‌هایی که بایزید دوم، مدتی بعد وضع کرد، شمار مهاجرین از آناتولی به آذربایجان، بعضاً رو به کاهش نهاد. متعاقب این، شاه اسماعیل با ارسال مکتوبی به بایزید دوم، لغو این ممنوعیت‌ها را خواستار شده بود، اما بایزید دوم با اشاره به تحمل خسارات فراوان دولت از این بابت، جواب داده بود که این امر در شرایط فعلی مقدور نبوده و اینکه اساساً این ممنوعیت‌ها فقط برای کسانی که تعهد بازگشت داده‌اند، قابلیت اجرا نخواهد داشت.^۲

مورد دیگری که در روابط بین عثمانی - صفوی اتفاق افتاد، حادثه یورش شاه اسماعیل به جانب ذوالقدریه بود. بعضی از منابع عثمانی، سبب این یورش را در عدم موافقت علاءالدوله بیگ با ازدواج دخترش با شاه اسماعیل ذکر کرده‌اند.^۳ اما دلیل این یورش را شاید در دو عامل حمایت سیاسی علاءالدوله بیگ از آق قویونلوها ضد صفویان^۴ و تشریک مساعی وی با دولت عثمانی در ایجاد مانع در مهاجرت صفویان به آذربایجان بتوان ذکر کرد. در حقیقت نیز علاءالدوله بیگ در ابتدای کار، از خطر بالقوه‌ای که مهاجرت اجتماع بزرگی از ساکنین مرعش، البستان، خرپوت و یوزغات می‌توانست ایجاد کند، درک روشنی نداشت.^۵ بعد از تأسیس دولت صفویه به ویژه از سال ۹۰۷/۱۵۰۲، علاءالدوله بیگ که متوجه وخامت اوضاع شده بود، واکنش نشان داد.^۶ اندک زمانی بعد، به نظر می‌رسد شاه اسماعیل با پیشنهاد برقراری روابط خویشاوندی با امیرنشین ذوالقدر، در اندیشه حل این مشکل بوده است. علاءالدوله با وجود اینکه ابتدا پاسخ مثبت داده بود، مدتی بعد با دریافت قول مساعد از جانب دولت عثمانی،^۷ به بهانه شیعی بودن شاه اسماعیل، با این وصلت مخالفت کرد. وی به این نیز اکتفا نکرده، دشمن شاه اسماعیل، مراد آق قویونلو را در مرعش اسکان داد و دخترش «بنلو خاتون» را به وی تزویج کرد.^۸ به عنوان آخرین اقدام، وی رفتار خوبی با سفیر

1. Feridun Bey, Münşeatü's-Selatin, C. I, _stanbul, 1274 , ss. 338-340.

2. A.g.e., ss. 338-339.

3. Hoca Sadeddin, Tâcü't-Tevârih, (Haz. Ismet Parmaksızoğlu), C. III, Istanbul, 1979, s.350; Solak-Zâde, a.g.e., s. 432.

4. Rafet Yinanç, Dulkadir Beyliği, Ankara, 1989, ss. 90-91.

5. Sümer, a.g.e., s. 19.

6. Yinanç, a.g.e., s. . 90.

7. Haniwaldanus Anonimine Göre Sultan Bayezid-i Veli, (Haz. Richard F. Kreutel), (Kısaltma: Haniwaldanus Anonimi), Istanbul , 1997, s. 41.

8. Yinanç, a.g.e., s. 91.

صفویه نداشت و او را مجازات و در «کوزگولو» محبوس کرده بود.^۱

شاه اسماعیل بنا به دلایلی که پیش‌تر اشاره شد و به منظور تسویه حساب با علاءالدوله در سال ۹۱۳/۱۵۰۷، به سوی امیرنشین ذوالقدر حمله کرد. در این یورش، وی مسیر ارزنجان را انتخاب کرد. هدف از این تصمیم، جلب همکاری قزلباشان آناتولی^۲ بود. به علاوه واکنش دولت عثمانی نیز برای شاه اسماعیل مهم بود، زیرا برای رسیدن به البستان، لازم بود از خاک عثمانی عبور کند؛ از این رو، شاه اسماعیل برای کسب مجوز عبور از بایزید دوم، مدتی پشت مرزهای عثمانی به انتظار ماند. متعاقب صدور مجوز عبور از سوی بایزید دوم، اردوی صفوی بدون ایجاد مزاحمت برای مردم، به سوی البستان پیشروی کرد.^۳ نظیر این واقعه در دوره اوزون حسن نیز روی داده بود. آن زمان بایزید دوم، والی آماسیه بود. اردوی آق قویونلو با کسب مجوز عبوری که بدون تمهید کمترین ترتیبات دفاعی صادر شده بود، با عبور از مرز عثمانی، «توقات» را غارت کرده بودند. با پیش‌بینی احتمال تکرار چنین واقعه‌ای، اردوی عثمانی به فرماندهی یحیی پاشا، تا نزدیکی آنکارا پیشروی کرد و دفاع از این ناحیه را بر عهده گرفت.^۴ اتخاذ چنین تدبیری به نظر می‌رسد خسارات محتمل از جانب هواداران صفوی ساکن در آن حوالی را خنثی کرده باشد.

علاءالدوله با درک عدم توانایی مقاومت خود در برابر صفویان، به کوه صعب‌العبور «تورنا داغی» پناه برد. شاه اسماعیل بعد از مدتی انتظار بیهوده، خشم خود را بر سر اهالی البستان و مرعش خالی کرد.^۵ تنها دستاورد این سفر نظامی برای صفویان، تحت کنترل در آوردن ناحیه دیاریکر بود.^۶

به دنبال این تحولات در دولت عثمانی، تحرک فوق‌العاده‌ای پدید آمد.^۷ اما دولت صفوی در حال کشمکش با شییبانی خان ازبک فرمانروای ماوراءالنهر بود؛ از این روی شاه اسماعیل که روابط گرمی را با دولت عثمانی پیش می‌برد، به منظور تسویه حساب با شییبانی خان آماده می‌شد. وی در میانه سال ۱۵۱۰/۹۱۶، شکست سختی بر شییبانی خان تحمیل کرد و سراسر ناحیه خراسان به انضمام هرات، مرو و بلخ را به سرحدات صفوی ملحق کرد.^۸ به نظر می‌آید شاه اسماعیل که به دنبال پیروزی بر شییبانی خان، قدرتمندتر شده بود، در سیاست خارجی خود دست به تغییراتی زد. دولت عثمانی به عنوان تنها مانع صفویان

1. Sümer, a.g.e., ss. 27-28.

2. Ismail Hakkı Uzunçarşılı, Osmanlı Tarihi, C. II, Ankara, 1998, s. 228

3. Solak-Zâde, a.g.y.; Feridun Bey, a.g.e., ss. 339-340; Yinanç, a.g.e., s. 93; Sümer, a.g.e. s.29; Efendiyeve, a.g.e., s.93.

4. Haniwaldanus Anonimi, ss. 42-43; Solak-Zâde, a.g.y.

5. Solak-Zâde, a.g.y.; Şerefhan, a.g.e., s. 152; Uzunçarşılı, a.g.e., s. 233.

6. Şerefhan, a.g.y.; Gelibolulu Mustafa Âlî, Kitâbü't-Tarih-i Künhü'l-Ahbâr, (Haz. Ahmet Uğur ve diğerleri), Kayseri, 1997, ss. 908- 909; Lütfi Paşa, Tevârih-i Âl-i Osman, (Haz. Âlî Bey), İstanbul, ۱۹۹۰, s. 201; İnanç, a.g.e., s. 94.

7. Yusuf Küçükdağ, II. Bayezid, Yavuz ve Kanunî Devirlerinde Cemali Ailesi, İstanbul, 1995, s. 283.

۸ کربلایی تبریزی، حافظ حسین، روضه الجنان و جنة الجنان، ج ۲، تهران، ۱۳۴۹، ص ۲۰۲-۲۰۰

برای تبدیل شدن به دولت جهانی محسوب می‌شد؛ به همین سبب حملات خود ضد دولت عثمانی را با تبلیغات فراوان شدت بخشید.

در عین حال موفقیت‌های شاه اسماعیل سبب افزایش سیل مهاجرت هواداران ساکن در آناتولی به سوی ایران می‌شد. سخنان بی‌اساسی با این مضمون که «شاه اسماعیل به زودی سفری را تدارک دیده، کشور عثمانی را تحت حاکمیت خود خواهد گرفت»، میان مردم شایع شده بود. از سوی دیگر هواداران صفویه نیز با این هدف که به محض آمدن شاه او را یاری دهند، به صورتی نگران کننده خود را مسلح می‌کردند. این اقدامات، وسیله خلیفه‌های صفوی که با عنوان «شیخ» شناخته می‌شدند، رهبری می‌شد.^۱ در این هنگام در آناتولی آن قدر بر شمار هواداران شاه اسماعیل افزوده شده بود که شاهزاده قورقوت و شهنشاہ در منازعه بر سر تاج و تخت به منظور جلب حمایت آنها به ناچار به هواداری از عقاید صفویه تظاهر می‌کردند.^۲

از سوی دیگر، حاکمیت عثمانی با هدف مهار بحرانی که کشور را فرا گرفته بود، تدابیری را اتخاذ کرد. فرمان بایزید دوم مبنی بر بازرسی شدید اشخاصی که تاج قرمز به سر داشتند به اتهام هواداری از صفویه اجرا و اشخاص، دستگیر و اعدام می‌شدند. به علاوه اشخاصی که به صوفی‌گری تمایل نشان می‌دادند و ضد دولت عثمانی اقدام می‌کردند به اتفاق خانواده خود به جزیره مورا (Mora) تبعید می‌شدند؛ همچنین مخبرانی را به اقصی نقاط کشور روانه کرده، از والیان می‌خواستند تا هواداران صفویه را به شدت تحت کنترل داشته باشند.^۳ در نتیجه در روم ایلی و آناتولی، روستاها و قصبات بسیار در مقیاسی وسیع تخلیه شدند و دولت به صورتی نگران کننده با خطر بحران اقتصادی مواجه شد.

اما شاه اسماعیل به دنبال غلبه بر شیبانی خان ازبک، خود را چون تیمور قدرتمند تصور می‌کرد.^۴ در عین حال هیچ‌گاه از اهمیت مانعی به نام عثمانی نیز غافل نبود. برای پشت سر گذاشتن نیروی عثمانی به طور معمول روش تضعیف از درون را انتخاب کرد. در اجرای این روش، وی در پیشبرد روابط خود با دولت عثمانی بسیار دقت می‌کرد و مراقب بود که ارتباطات نظامی و اقتصادی با آن را به یک‌باره قطع نکند.^۵ هم‌زمان از مشکلات موجود در ساختار اجتماعی و شرایط سیاسی دولت عثمانی سعی داشت بهره‌برداری کند؛ از این رو، تلاش می‌کرد تبلیغات صوفیگری در جامعه عثمانی به طور مخفیانه انجام گیرد. شاه اسماعیل با وجود تمامی تمهیدات پیشگیرانه بایزید دوم در این اقدامات در مقیاسی وسیع موفق بود. به موازات این، کشورهای اروپایی نیز ضد عثمانی روابط خود را با دولت صفوی شکل می‌دادند. در همین ارتباط از سال ۹۰۷/۱۵۰۲ به بعد، و نیز میان مناسبات خود را با صفویه آغاز کردند. متعاقباً شاه اسماعیل نیز

1. Dedeyev, a.g.m., ss.218-220.

2. Haniwaldanus Anonimi, ss. 45-48; Sümer, a.g.e., s. 34.

3. Haniwaldanus Anonimi, s. 45.

4. Şah İsmail'in Sultan Selim'e cevabî mektubu. Feridun Bey, a.g.e., s. 356.

5. Yusuf Küçükdağ, "Osmanlı Devleti'nin Şah İsmail'in Anadolu'yu Şifileştirme Çalışmalarını Engellemeye önelik Önlemleri" (Kısaltma: Anadolu'yu şifileştirme), Osmanlı, I, Ankara, 1999, s.273.

در سال ۱۵۰۸/۹۱۴، یک هیئت سفارت به ونیز گسیل کرد، ولی دولت ونیز به دلیل اجتناب از درگیری با دولت عثمانی به سردی از این هیئت استقبال کرد.^۱ شاید هم در این اندیشه بود که دو دولت بزرگ در نتیجه درگیری طولانی تضعیف گردند.

در این دوره، حادثه مهمی که در مناسبات عثمانی - صفوی رویداد مسئله «شورش شاهقلی» بود که از بهار سال ۱۵۱۰/۹۱۶ آغاز و بیش از یک سال به درازا کشید. شاهقلی در نواحی حمید و تکه ایلی (حومه اسپار تا و آنتالیا) از طریق هواداران صفویه و تحت تأثیر پدرش از دوران طفولیت با فرهنگ قزلباش آشنا شده بود. وی فردی بسیار فعال، باهوش و شجاع بود. او در مدتی کوتاه میان هواداران شاه اسماعیل در آنتولی، موقعیت ممتازی کسب کرد. دولت عثمانی بسیار دیر متوجه روابط وی با شاه اسماعیل شد. شاهقلی که در «المالی» به عنوان فردی صاحب تقوا و اهل زهد شناخته می‌شد، در غاری اسکان گزیده، عنوان «شیخ» را دریافت کرد. می‌دانیم که شاهزاده قورقوت، ملاقاتی با وی داشته است و بایزید دوم سالانه ۶ تا ۷ هزار آقچه به خانقاه وی نذورات ارسال می‌کرد.^۲ این حرکت شاهزاده قورقوت که در اندیشه تصاحب تاج و تخت بود، احتمالاً با هدف جلب حمایت وی صورت گرفته است.

در جریان شورش شاهقلی، دولت عثمانی با مشکلات عدیده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مواجه شد. شورشیان هر جا وارد می‌شدند، آنجا را غارت کرده، ویرانی به بار می‌آوردند.^۳ علاوه بر این ۱۵ هزار مورد مهاجرت که در یک فقره صورت گرفته است، سبب افزایش آمار مراکز جمعیتی خالی از سکنه شده، توازن اقتصادی را برهم می‌زد. در نتیجه این وضعیت، جمعیت کثیری بیکار ماندند. سپاهیان نیز در مقابل دولت، جبهه‌گیری می‌کردند.^۴ متعاقب این نابسامانی‌ها، نگرانی فزاینده‌ای میان مردم ایجاد شده بود. گسترش سریع صفویان در آنتولی، نظم عمومی مردم را در ساختار اجتماعی عثمانی مخدوش می‌کرد. در پی نفرت طبقات مردم از یکدیگر، گروه اجتماعی جدیدی در حال شکل‌گیری بود.

با وجود بروز چنین شرایطی، بایزید دوم به سبب جوانی، قادر به هدایت دولت نبود و در نتیجه این سردرگمی، بحران کشور را فرا گرفت. اوج‌گرفتن درگیری سلطنتی در دربار عثمانی ۹۱۸/۱۵۱۲، روابط صفوی - عثمانی را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد. با وجود آنکه دولت‌های زیادی از شرق و غرب، برای عرض تبریک جلوس سلطان سلیم که در درگیری سلطنتی پیروز شده بود، هیئت‌های نمایندگی گسیل کرده

1. Selahattin Tansel, Sultan II. Bayezit'in Siyasî Hayatı, İstanbul, 1966, s. 245; Yakup Mahmudov, Vzaimootnoşeniya Gosudarstv Akkoyunlu i Safevidov s Zapodnoyevropeyskimi Stranami, Bakü, 1991, ss. 118-140.

2. Anonim, Tevârih-i Âl-i Osman, F. Giese Neşri, (Haz. Nihat Azamat), İstanbul, 1992, s.a.g.e., s. 230; Yusuf Küçükdağ, "Osmanlı Devleti'nin Şah İsmail'in Şif Propagandalarına Halvetiye ile Karşı Koyma Politikası", XIII. Türk Tarihi Kongresi ۴-۸ Ekim ۱۹۹۹ Ankara, Ankara, 2002, s. 438.

3. Geniş bilgi için bkz., Tansel, a.g.e., ss. 249-252.

4. Bilal Dedeyev, "Azerbaycan ile Osmanlı Devleti Arasında olan _ctimai Münasebetlerdeki Köç Hadiseleri (1450-1520)", Medeniyet Dünyası, S.12, Bakü, 2006,s.265.

بودند، شاه اسماعیل سفیری به استانبول اعزام نکرد.^۱ حتی با پشتیبانی از شورش نورعلی خلیفه در برابر سلطان سلیم موضع‌گیری خود را آشکار کرد. علاوه بر این، با حمایت از شاهزادگان هوادار خود، در امور داخلی دولت عثمانی نیز مداخله آغاز کرد. این امر روابط عثمانی - صفوی را که بالذات تیره بود، کمی شدت می‌بخشید.

تمهیدات پیشگیرانه دولت عثمانی ضد دولت صفوی

سلطان سلیم بلافاصله پس از جلوس به تخت سلطنت عثمانی (۹۱۸/۱۵۱۲)، با از میان بردن شاهزادگان مدعی تاج و تخت، برای رفع خطر صفوی که دولت و مردم را تهدید می‌کرد، تمهیدات پیشگیرانه را آغاز کرد. وی پیش‌تر در دوران شاهزادگی که والی طرابوزان بود، برخی عملیات موفقیت‌آمیز ضد نیروهای صفوی انجام داده بود.^۲ پیش از سلطنت نیز پیشنهاد پدرش، بایزید دوم مبنی بر قبول فرماندهی اردویی ضد دولت صفوی را نپذیرفت و با این اظهار که این امر تا پیش از جلوس وی بر تخت فرمانروایی امپراتوری عثمانی محقق نخواهد شد، تلویحاً این پیغام را می‌داد که در شروع سلطنتش در اولین فرصت، نسبت به حل مسئله صفوی اقدام خواهد کرد. بدین ترتیب سلطان سلیم به مقابله با گسترش صفویه برخاسته، برخی اقدامات پیشگیرانه را آغاز کرد. این تمهیدات به اشکال ذیل بود:

الف - سیاسی

سلطان سلیم به عنوان اولین اقدام در جهت تکوین وضعیت سیاسی، مطابق انتظارات خود گام برداشت. قبلاً نیز اشاره شد که برای جلوگیری از پناهندگی شاهزادگان مدعی سلطنت به دولت صفوی و دولت‌های غرب، آنها را به روش‌های گوناگون از میان برداشت. کمی بعد در دیدارهای خصوصی با نمایندگان دولت‌های اروپایی نسبت به تمدید قراردادهایی که پیش‌تر منعقد شده بود اقدام کرد.^۳ به علاوه نسبت به جلب حمایت دولت‌های مسلمان خاور منهای دولت صفوی تلاش‌هایی صورت داد.^۴

ب - فرهنگی

اقدام دیگر سلطان سلیم، عکس‌العمل در مقابل تبلیغات صفوی در قلمرو دولت عثمانی بود. در مناطقی

1 . Joseph Von Hammer, Devlet-i Osmaniye Tarihi, C. III, _stanbul, 1329, s. 112.

2. Şükrî-i Bitlisî, Selim-Nâme, (Haz. Mustafa Argunşah), Kayseri, 1997, ss. 66-70; Bu konuyla ilgili Haldun Eroğlu bilgi verirken, 1511'de çatışma esnasında Şehzade Selim'in Şah İsmail'i yakaladığını bildirmektedir (Osmanlı Devleti'nde Şehzadelik Kurumu, Ankara, 2004, s. 180). Bilginin alındığı Künhü'l-Ahbar'da bu konu ele alınırken, Şah İsmail'in kardeşinin esir edildiği söylenmiştir (Mustafa Âlî, a.g.e., ss. 925-926), Mustafa Âlî dışındaki kaynaklarda böyle bir Şeye raslanılmamaktadır. Ayrıca, Şehzade Selim'in Safevîler'le olan çarpışması, 1508'de cereyan etmiştir. Bu konu için bkz.. Tansel, a.g.e., s. 246.

3 . Idris-i Bidlisî, Selim Şah-Nâme, (Haz. Hicabi Kırılancık), Ankara, 2001 ss. 116-117.

4. Şahin Farzalibeyli, "Resmi Belgelerde 23 Ağustos Çaldıran Savaşı'nın Nedenleri ve Sonuçları", XIII. Türk Tarih Kongresi 4-8 Ekim 1999, Ankara, 2002, s. 81.

از آناتولی که هواداران صفوی حضور بیشتری داشتند، به فرمان سلطان سلیم، حدود چهل هزار نفر از طرفداران شاه اسماعیل کشته یا محبوس شدند.^۱ علاوه بر این، برای جلوگیری از گسترش صفوی‌گری با اتخاذ تمهیدات فرهنگی به سازمان‌دهی گروه‌های طریقتی سنّی مذهب متوسل شد. کمی بعد به موازات اقدامات مقابله‌جویانه با اندیشه صفویه در قلمرو عثمانی، به ویژه با طریقت «خلوتیه» که با طریقت «صفویه» ریشه مشترک داشت و با یکدیگر در طریقت «زاهدیه» به وحدت می‌رسیدند، شروع به همکاری کرد.^۲

افزون بر این، از علماء سرشناس عثمانی استمداد جست، از کمال پاشا زاده،^۳ علی بن عبدالکریم،^۴ حسن بن عمر،^۵ مفتی حمزه و ملا عرب،^۶ فتوای قتل هواداران صفویه را دریافت کرد. فتاوی صادره در کنار صبغه دینی، محتوای سیاسی داشت و در داخل و خارج از قلمرو عثمانی برای اقدامات ضد صفوی، نوعی مشروعیت کسب می‌کرد. هم‌زمان اطلاعاتی مبنی بر «سید» نبودن خاندان صفوی بین مردم منتشر می‌شد.^۸ اقدامات اخیر، بعدها در شکل‌گیری تصویری از دولت صفوی به عنوان ایران شیعی مذهب در مقابل دولت عثمانی سنّی مذهب، زمینه مساعدی ایجاد کرد.^۹

1 . İdris-i Bidlisî, a.g.e., s. 130; Hammer, a.g.e., C. IV, s. 122; Lord Kinross, Rasçvet i Upadok Osmanskoy İmperii, (Rusça'ya çev. M. Palnikov), Moskova, 1999, s. 183; Sümer, a.g.e., s. 36; Tofik Necefî, "Çaldıran Döyüşü Arefesinde Safevi-Osmanlı Münasebetleri Müasir Türkiye tarihşünashğında", Şah İsmail Hatai-VI. Ümumrespublika Elmi-praktiki Konferansın Materialları, Bakü, 2007, s.138.

2 . Küçükdag, Anadolu'yu iile tirme, ss. 277-278.

3 . Kemal Paşa-Zâde, Fetvay-ı Kemal Pa_a-Zâde Der Hakk-ı Kızılba_, Süleymaniye Ktp. Esat Efendi Bölümü, No: 3548, vr. 45a- 48b.

4 . Selahattin Tansel, Yavuz Sultan Selim, İstanbul, 1969, ss. 20-30.

5 . Hasan b. Ömer, Kızılbaşlığa Reddiye, Süleymaniye Ktp. Düğümlü Baba Bölümü, No: 00197, ss. 89-93.

6 . Topkapı Sarayı Müzesi ar _ivi (TSMA), No. E. 6401; 12077

7 . Mehmet Saray, Türk İnan Münasebetlerinde Şiiliğın Rolü, Ankara, 1990, ss. 20-21; Mustafa Ekinci, Anadolu Aleviliğının Tarihsel Arka Planı, İstanbul, 2002. s. 173; Farzalibeyli, a.g.t., s. 81.

8 . Kemal Paşa-Zâde, a.g.e., vr. 46b.

9 . Safevî Devleti kuruluş döneminden itibaren yaklaşık 100 sene Azerbaycan Türk Devleti olma özelliğini koruyabilmiştir. Safevi Devleti'nin İranlılaşması daha sonralar olmuştur. Sultan Selim'den sonra Kanunî Sultan Süleyman'ın (1520-1566) düzenlediği Azerbaycan seferleri (Fahrettin Kırzioğlu, Osmanlılar'ın Kafkas Elleri'ni Fethi (1451-1590), Ankara, 1998, ss. 168-249) ve ardından Sultan III. Murad (1574-1505)'ın Azerbaycan'ı Osmanlı topraklarına katması (Bekir Kütikoğlu, Osmanlı-İran Siyâsî Münasebetleri (1578-1612), İstanbul, 1993, ss. 194-200; Tahsin Yazıcı, "Safevîler", İA., C. X, İstanbul, 1988, ss. 55-56) Safevî hanedanını daha iç taraflara, yani İran bölgelerine yerleşmeye zorlamıştır. Bu yüzden, başkent 1555'te Tebriz'den Kazvin'e (Efendiyev, a.k.e., s. 205), I. Şah Abbas (1587-1629) devrinde ise, İsfahan'a taşınmıştır. I.Şah Abbas'ın reformlarında aşiretlere değil, bireye önem verilmesi

ج - اقتصادی

دیگر اقدام پیشگیرانهٔ سلطان سلیم ضد صفویان، در حوزهٔ اقتصادی بود. می‌دانیم که شمار فراوانی از هواداران صفویه در آناتولی، مقاصد خود را از طریق فعالیت‌های تجاری محقق می‌کردند. این گروه در بازگشت به قلمرو عثمانی، در کنار کالاهای تجاری، مواد معدنی از قبیل آهن، نقره و ابزارهای جنگی وارد می‌کردند. دولت عثمانی به عنوان اقدام اولیه، کنترل عبور و مرور مرزی را شدت بخشید. در نتیجه دست کم بخشی از کمک‌های مادی ارسالی از آناتولی به جانب شاه اسماعیل قطع شده بود. بعدها محدودیت‌هایی نیز در امر تجارت ابریشم اعمال شد.^۲ بدین ترتیب نوعی از تحریم اقتصادی ضد دولت صفوی به اجرا گذاشته شد.^۳

د- نظامی

سلطان سلیم اقدامات پیشگیرانهٔ خود ضد دولت صفوی را با نیروهای نظامی پشتیبانی می‌کرد. در جریان جنگ چالدران که در ۲۴ اوت ۱۵۱۴/۳ رجب ۹۲۰ حادث شد،^۴ شاه اسماعیل شکست خورده، در آخرین لحظات از اسارت حتمی نجات یافت و از میدان جنگ به هزیمت رفت.^۵ سلطان سلیم که در پی پیروزی در جنگ، وارد تبریز شده بود، قصد داشت پس از سپری کردن فصل زمستان در قراباغ، در فصل بهار با یورش مجدد، دولت صفوی را به طور کلی از سر راه بردارد، اما به علت فشار ینی چری‌ها، از این تصمیم منصرف شد و تقریباً هشت روز بعد، از تبریز خارج شد و از مسیر نخجوان، راهی آماسیه شد.^۶

sonucu devlet yönetimi tamamıyla Farsların eline geçmiştir. (Oqtay Efendiyev, "Azerbaycan Safeviler devletinin Iran devletine çevrilmesinin başlangıcı", Azerbaycan Tarihi, C.III, Bakü, 1999, ss. 251-252.). Bu da, Azerbaycan Safevî Devleti'nin bir Iran Devleti haline gelmesini kolaylaştırmıştır.

1 . Küçükdağ, Anadolu'yu Şiileştirme, s. 276.

2 . Ahmed Akgündüz, Osmanlı Kanunnameleri ve Hukuki Tahlilleri, III, (Yavuz Sultan Selim Devri Kararnameleri), İstanbul, 1991, ss. 167-171.

3 . Küçükdağ, Anadolu'yu Şiileştirme, s. 275; Bilal Dedeyev, "Azerbaycan-Osmanlı ekonomik ilişkileri (1450-1520)", Qafqaz Universiteti Jurnalı, Sayı-18, Bakü, 2006, ss.110-111; Dilaver Ezimli, " Azerbaycanın Avrupa İle Ticaret Elaqelerinde Vergi Güzeşterinin Rolu (XV. Asrın II Yarısı-XVII. Asrın I Yarısı)", Şah İsmayıl Hatai- VI Ümumrespublika elmi-praktiki konferansın materialları, Bakü, 2007, s. 118.

4. Temel kaynakların tümünde 23 Ağustos gösterilmesine rağmen, Sultan Selim'in Şehzâde Süleyman'a gönderdiği zafernâmeде sava_ın 3 Recep H. 920'de, yani 24 Ağustos 1514'te gerçekleştiği bildirilmektedir. Feridun Bey, a.g.e., ss.339-340; Uzunçarşılı, a.g.e., s. 268; Küçükdağ, a.g.y.; Dedeyev, Safevi Tarikatı- Osmanlı İlişkileri, s. 219.

5 . Feridun Bey, a.g.y.; İdris-i Bidlisi, a.g.e., ss. 178-179; Hadîdî , Tevârîh-i Âl-i Osman (1299-1523), (Haz. Necdet Öztürk), İstanbul 1991 , ss. 390-392; Şükrî, a.g.e., ss. 488-493; Hoca Sadeddin, a.g.e., C. IV, s. 211;

6 . Anonim, a.g.e., s.137; Hoca Sadeddin, a.g.e., C. IV, ss. 221-223; Solak-Zâde, a.g.e., C. II, ss. 30-32.

شرایط بعد از جنگ

می‌توان گفت که جنگ چالدران، شباهت‌های بسیار زیادی با نبرد اوتلوق بلی دارد.^۱ جریان نبرد، انتظام لشکری و نسبت شماره آن به عینه یکی است. حتی نحوه فراری دادن اوزون حسن^۲ از صحنه نبرد به نظر می‌رسد در جنگ چالدران نیز در مورد شاه اسماعیل عیناً تکرار می‌شود. طبیعی است که نقش سلاح آتشین در اختیار سپاه عثمانی و تأثیر آن را در کسب پیروزی در نبرد، نباید از نظر دور داشت. جنگ چالدران از جهت تصرف سرزمینی، متفاوت از نبرد اوتلوق بلی است. شکست در نبرد اوتلوق بلی، تنها منجر به از دست دادن چند قلعه توسط دولت آق قویونلو شد، در حالی که دولت صفوی بخش عمده‌ای از مناطق جنوب غربی‌اش را از دست داد. بایبورت، ارزنجان و کیگی به تصرف اردوی عثمانی درآمد. در سال ۱۵۱۵/۹۲۱ بعد از تصرف قلعه کماخ، امیرنشین ذوالقدر نیز به متصرفات دولت عثمانی افزوده شد.^۳ زمانی که سلطان سلیم در آماسیه اقامت داشت، به ادريس بتلیسی مأموریت داد نواحی آناتولی جنوب شرقی را انتظام دهد. ادريس بتلیسی به ویژه با حل و فصل بعضی اختلافات رؤسای عشایر کرد در سال ۱۵۱۷/۹۲۳، این ولایات را به تدریج تحت حاکمیت عثمانی درآورد.^۴ فقط در دیاربکر و نواحی مجاور آن، درگیری‌ها با دولت صفوی، مدت زمانی به درازا کشید. در نهایت در سال ۱۵۱۷/۹۲۳ قراخان که بعد از محمدخان اوستاجلو توسط شاه اسماعیل به سمت بیگلربیگی ناحیه دیاربکر منصوب شده بود، در جنگی در حومه قوچ حصار مغلوب شد و تمامی ناحیه به تصرف عثمانی درآمد.^۵ در نتیجه این اقدامات در سرحد بین عثمانی- صفوی، ناحیه‌ای حائل مرکب از عشایر کرد طرفدار عثمانی، ساماندهی شد. در این دوره با در نظر گرفتن الحاق ولایت قارص به عثمانی،^۶ شاید بتوان این گونه گفت که مرز فعلی بین ترکیه و ایران، به تقریب در سال ۱۵۱۷/۹۲۳ شکل گرفته است.

1. Otlukbeli savaşı Akkoyunlu Devleti ile Osmanlı Devleti arasında 11 A_ustos 1473- de gerçekleşmiştir.
- 2 . Ebu Bekr-i Tihranî, Kitab-ı Diyarbekriyye, (Çev. Mürsel Öztürk), Ankara, 2001, s.352; Tursun Bey, Tarih-i Ebu'l-Feth, (Haz. Ahmed Tezba_ar), (tarihi ve basım yeri yok), s. 142-143; Mustafa Âlî, a.g.e., s. 662.
- 3 . Solak-Zâde, a.g.e., C. II., ss. 33-37; Şerefhan, a.g.e., s. 164; Yınanç, a.g.e., s. 99.
4. Bu bölgeler Şunlardır: Diyarbakır, Cezire, Bitlis, Suran, Hısn-Keyf, İmadiye, Çemi_kezek, Hizan, Sason, Palo, Çarpakçur, Eğil, Sincar, Elok, Çermik, Hıza, Zerik, Siverek, Malatya, Urfa, Behisti, Ergani, Siirt, Harput, Divriği ve Mardin. Bkz. Solak-Zâde, a.g.e., C. II.
5. Solak-Zâde, a.g.e., C. II., ss. 45-46. Geniş bilgi için bkz. Akgündüz, Yavuz Sultan Selim Devri Kararnameleri, ss 205-210.
6. Başbakanlık Osmanlı Arşivi (BOA), İE, ML, No:9. Bu belgede 1516-1518 yılları arasında Kars vilâyetinin Mahsul Muhasebesi verilmektedir.

نتیجه

دولتی که شاه اسماعیل در مدت زمانی کوتاه تأسیس کرد و به قدرت رساند، از سال ۱۵۱۰/۹۱۶ به نحوی آشکار، دولت عثمانی را از درون مورد تهدید قرار داد. شرائط بی‌تجربه‌گی و بیماری بایزید دوم، اقدامات شاه اسماعیل درون قلمرو عثمانی را تا حدودی تسهیل کرد. با وجود اتخاذ تمهیدات پیشگیرانه توسط بایزید دوم، در این دوره شاه اسماعیل در پیشبرد مقاصد خود، بسیار موفق بود. به علاوه دولت‌های اروپایی نیز ضد عثمانی، روابط خود را با دولت صفوی شکل می‌دادند.

منازعات سلطنتی در دربار عثمانی به نفع سلطان سلیم که مخالف صفویه بود، خاتمه یافت. وی در سال ۹۱۸/۱۵۱۲ به سلطنت رسید. سلطان سلیم که از دوران شاهزادگی، مخالف صفویه بود، در دوره زمامداری نیز این رفتار را تداوم بخشید و در مقابله با سیاست تصرف اراضی عثمانی توسط شاه اسماعیل، تمهیدات پیشگیرانه شدیدی اتخاذ کرد. جنگ چالدران که متعاقب اقدامات سیاسی، دینی، اقتصادی، ملی و نظامی سلطان سلیم به تحقق پیوست، در واقع نقطه پایانی بود بر گسترش فعالیت‌های دولت صفویه. وضعیت اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی - سیاسی که متعاقب پایان جنگ، بین دو کشور شکل گرفت، در سال‌های بعد نیز تأثیرات خود را در روابط بین عثمانی - صفوی، تداوم داده است.

منابع:

Yayınlanmamış Belgeler:

TSMA, No.E. 6401; 12077.

BOA, İE, ML, No:9.

Temel Kaynaklar, Kitap ve Makaleler:

AKGÜNDÜZ, Ahmed, Osmanlı Kanunnameleri ve Hukuki Tahlilleri, III, Yavuz Sultan Selim Devri Kararnameleri), İstanbul, 1991.

ANONİM, Tevârih-i Âl-i Osman, F. Giese Neşri, (Haz. Nihat Azamat), İstanbul, 1992.

DEDEYEV, Bilal, "Azerbaycan ile Osmanlı Devleti Arasında Olan İctimai Münasebetlerdeki Köç Hadiseleri (1450-1520)", Medeniyet Dünyası, S.12, Bakü, 2006, s.263-270.

-----, "Safevi Tarikatu ve Osmanlı Devleti ilişkileri", Uluslararası Sosyal Araştırmalar

Dergisi, Cilt-1, S. 5, (Kasım-2008), ss.205-223.

-----, "Azerbaycan-Osmanlı Ekonomik İlişkileri (1450-1520)", Qafqaz Universiteti Jurnalı, Sayı-18, Bakü, 2006, ss.105-112.

EBU BEKR-İ TİHRANİ, Kitab-ı Diyarbekriyye, Ankara, 2001.

EFENDİYEV, Oktay, Azerbaycan Safeviler Devleti, Bakü, 1993.

-----, "Azerbaycan Safeviler Devletinin İran Devletine Çevrilmesinin Başlangıcı",

Azerbaycan Tarihi, C.III, Bakü, 1999, ss. 250-253.

-----, "Sultan II. Bayezid ve Yah İsmail", XIII. Türk Tarih Kongresi Ankara, 4-8 Ekim 1999, C. III, I. kısım, Ankara, 2002, s. 89-95.

EKİNCİ, Mustafa, Anadolu Alevîliğinin Tarihsel Arka Planı, İstanbul, 2002.

EROĞLU, Haldun, Osmanlı Devleti'nde Şehzadelik Kurumu, Ankara, 2004.

EZİMLİ, Dilaver, "Azerbaycanın Avrupa İle Ticaret Elaqlerinde Vergi Güzeşlerinin Rolü (XV. Asrın II. Yarısı-XVII. Asrın I Yarısı)", Şah İsmayil Hatai- VI Ümum respublika elmi-praktiki konferansınmaterialları, Bakü, 2007, ss. 115-128.

FARZAL_BEYLİ, Şahin Fazil, Azerbaycan ve Osmanlı İmperiyası .XV.-XVII. Asırlar), Bakü, 1999.

-----, "Resmi Belgelerde 23 Ağustos Çaldıran Savaşı'nın Nedenleri ve Sonuçları", XIII.

Türk Tarih Kongresi 4-8 Ekim 1999, Ankara, 2002, ss. 77-87.

FERİDUN BEY, Münşeatü's-Selatin, C. I, İstanbul, 1274.

GELİBOLULU MUSTAFA ÂLÎ, Kitâbü't-Tarih-i Kühnü'l-Ahbâr, Haz. Ahmet Uğur ve diğerleri), Kayseri, 1997.

GÖKBİLGİN, Tayyip, "XVI. Asır Ba_larında Osmanlı Devleti Hizmetindeki Akkoyunlu Ümerası", Türkiyat Mecmuası, C. IX, İstanbul, 1951), ss. 35-46.

HADİDÎ, Tevârih-i Âl-i Osman 1299-1523), Haz. Necdet Öztürk), İstanbul, 1991.

HAFIZ HÜSEYİN KERBELAYÎ TEBRİZÎ, Ravzetü'l-Cinân ve Cennetü'l-Cinân, C. II, Tahran, 1349.

HAMMER, Joseph Von, Devlet-i Osmaniye Tarihi, Terc. Mehmet ATA, C. III, İstanbul, 1329.

Haniwaldanus Anonimine Göre Sultan Bayezid-i Veli, (Haz. Richard F. Kreutel), İstanbul, 1997.

HASAN B. ÖMER, Kızılbaşlığa Reddiye, Süleymaniye Ktp. Dügümlü Baba Bölümü, No: 00197.

HOCA SADEDDİN, Tâcü't-Tevârih, (Haz. İsmet Parmaksızoğlu), C. III, IV, İstanbul, 1979.

İDRİSİ BİDLİSÎ, Selim Şah-Nâme, (Haz. Hicabi Kırlangıç), Ankara, 2001.

KEMAL PAŞA-ZÂDE, Fetvay-ı Kemal Paşa-Zâde Der Hakk-ı Kızılbaş, Süleymaniye Ktp. Esat Efendi Bölümü, No: 3548.

KINROSS, Lord, Rasçvet i Upadok Osmanskoy İmperii, (Ruşça'ya çev. M.

Palnikov), Moskova, 1999.

KIRZIOĞLU, Fahrettin, Osmanlılar'ın Kafkas Elleri'ni Fethi (1451-1590), Ankara, 1998.

KÜÇÜKDAĞ, Yusuf, II. Bayezid, Yavuz ve Kanunî Devirlerinde Cemali Ailesi, İstanbul, 1995.

-----, "Osmanlı Devleti'nin Şah İsmail'in Anadolu'yu Şifletirme Çalışmalarını

Engellemeye Yönelik Önlemleri", Osmanlı, I, Ankara, 1999, ss.269-281.

-----, "Osmanlı Devleti'nin Şah İsmail'in şif Propagandalarına Halvetîye ile Karşı Koyma Politikası", XIII. Türk Tarihi Kongresi 4-8 Ekim 1999 Ankara, Ankara, 2002, ss. 435-444.

KÜTÜKOĞLU, Bekir, Osmanlı-İran Siyâsi Münasebetleri (1578-1612), İstanbul, 1993.

LÜTFİ PAŞA, Tevârih-i Âl-i Osman, (Haz. Âlî Bey), İstanbul, 1990.

MAHMUDOV, Yakup, Vzaimootnoieniya Gosudarstv Akkoyunlu Safevîdov s Zapodnoyevropeyskimi Stranami, Bakü, 1991.

MÜNECCİMBAŞI, Sahaifü'l-Ahbar fî Vekayii'l-A'sar, C. III, şTerc. Nedim), İstanbul, 1285.

NECEFÎ, Fahrudin Musevî Erdebilî, Tarihi Erdebil ve Danişmendân, C. I, Tahran, 1388.

NECEFLI, Tofik, "Çaldıran Döyüşü Arefesinde Safevi-Osmanlı Münasebetleri Müasir Türkiye

Tarih Şünaslığında", Şah İsmail Hatai-VI. Ümumrespublika Elmi-praktiki Konferansın Materialları, Bakü, 2007, ss.134-139.

-----, "Şah İsmail'in Sultan II. Bayezid'le Karşılıklı Münasebetlerinin Müasir Türkiye

Tarih şünaslığında Eksi", Haberler, Sayı 8, Bakü, 2007, ss.33-51.

SARAY, Mehmet, Türk İnan Münasebetlerinde Şifliğin Rolü, Ankara, 1990.

SOLAK-ZÂDE, Tarih, C. I, II, (Haz. Vahit Çabuk), Ankara, 1989.

SÜMER, Faruk, Safevîler Devleti'nin Kuruluşu ve Gelişmesinde Anadolu Türkleri'nin Rolü, Ankara, 1992.

ŞEREFHAN BİTLİSÎ, Şeref-Nâme, (Rusça'ya çev. E. İ. Vasilyev), Moskova, 1976.

ŞÜKRÎ-BİTLİSÎ, Selim-Nâme, (Haz. Mustafa Argunşah), Kayseri, 1997.

TANSEL, Selahattin, Sultan II. Bayezit'in Siyasî Hayatı, İstanbul, 1966.

-----, Yavuz Sultan Selim, İstanbul, 1969.

-----, “Yeni Vesikalar Karşısında Sultan İkinci Bayezit Hakkında Bazı Mütalâalar”, Belleten, C.

XXVII/106, Ankara, 1963, s. 185-236.

TURSUN BEY, Tarih-i Ebu'l-Feth, (tarihi ve basım yeri yok).

UZUNÇARŞILI, İsmail Hakkı, Osmanlı Tarihi, C. II, Ankara, 1998.

YAZICI, Tahsin, “Safevîler”, İslâm Ansiklopedisi, C. X, İstanbul, 1988, ss. 53-59.

YINANÇ, Rafet, Dulkadir Beyliği, Ankara, 1989

ابوبکر طهرانی، دیار بکر، آنکارا، ۲۰۰۱.

فریدون بیگ، منشأ السلاطین، ج ۱، استانبول، ۱۲۷۴.

حدیدی، تواریخ آل عثمان (۱۵۲۳ - ۱۲۹۹)، گردآورنده نجدت اوزترک، استانبول، ۱۹۹۱.

حافظ حسین کربلایی علی تبریزی، روضه الجنان و جنبه الجنان، ج ۲، تهران، ۱۳۴۹.

خواججه سعد الدین، تاج التواریخ، گردآورنده عصمت پارماق سبزواری، ج ۳-۴، استانبول، ۱۹۷۹.

ادریس بدلیسی، سلیم شاه نامه، گرد آورنده حاجی قیرلانغیچ، آنکارا، ۲۰۰۱.

کمال پاشا زاده، فتوای کمال پاشا زاده در حق قزلباش، کتابخانه سلیمانیه، بخش اسات افندی، شماره

۳۵۴۸.

لطفی پاشا، تواریخ آل عثمان، گردآورنده عالی بیگ، استانبول، ۱۹۹۰.

منجم باشی، صحائف الاخبار فی وقایع الاعصار، ج ۳، مترجم ندیم، استانبول، ۱۲۸۵.

نجفی، فخر الدین موسوی اردبیلی، تاریخ اردبیل و دانشمندان، ج ۱، تهران، ۱۳۸۸.

شرفخان بدلیسی، شرفنامه، ترجمه به روسی، ا. ای. واسیلوف، مسکو، ۱۹۷۶.

شکری بدلیسی، سلیم نامه، گردآورنده مصطفی ارغونشاه، قیصری، ۱۹۹۷.